

به نقل از : پیام فدایی ، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران  
شماره ۲۱۴ ، فروردین ماه ۱۳۹۶

نویسنده : Ray Takeyh  
روزنامه واشنگتن پست - سپتامبر ۲۰۱۶  
ترجمه از هوشنگ

## ابراهیم رئیسی ، جانشین احتمالی خامنه ای



توضیح مترجم: به قدرت رسیدن دار و دسته خمینی که بعداً منجر به استقرار رژیم جمهوری اسلامی در ایران گردید ، زمانی تحقق یافت که سران چهار کشور امپریالیستی آمریکا ، فرانسه ، آلمان و انگلستان در روزهای چهارم تا ششم ژانویه ۱۹۷۹ ، برابر با چهاردهم تا شانزدهم دی ماه ۱۳۵۷ ، یعنی در عرض سه روز در نشست‌ای در جزیره ای به نام گوادلوپ از جزایر کارائیب که به "کنفرانس گوادلوپ" مشهور شد ، به این توافق رسیدند که بنا به علت وجود شرایط "نامطلوب" اجتماعی در ایران ، از شاه خواسته شود که با ترک کشور ، راه را برای ورود خمینی و به قدرت رسیدن دار و دسته او هموار سازد. در واقع چرخش حمایت امپریالیست‌ها از محمد رضا پهلوی به روح الله خمینی ، بعد از ماه‌ها مذاکرات مخفیانه که در ایران و سایر کشورهای دنیا بین نمایندگان امپریالیست‌ها با خمینی و اطرافیان او صورت گرفته بود ، در این کنفرانس ، شکل قطعی و نهائی به خود گرفت. تنها ده روز بعد از پایان "کنفرانس گوادلوپ" ، یعنی در روز بیست و ششم دی ماه ۱۳۵۷ بود که شاه از کشور خارج شد و هفده روز بعد از آن ، یعنی در روز دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ ، خمینی وارد ایران شد تا سرآغاز بنای یک رژیم جنایتکار ریخته شود. رژیم منفور جمهوری اسلامی هم از بدو به قدرت رسیدن ، به شکنجه ، حبس و اعدام روشنفکران ، آزادی خواهان و مبارزین کمونیست پرداخت و با لشکر کشی به ترکمن صحرا و کردستان جهت سرکوب جنبش‌های انقلابی در این مناطق ، با کشتار بیرحمانه همه خلق‌های ایران ، از ترکمن گرفته تا بلوچ ، کُرد ، تُرک و عرب و غیره ، هر صدای آزادی خواهی را در گلو خفه کرد تا دست سرمایه داران وابسته به امپریالیسم در استثمار کارگران و زحمتکشان ، هر چه بیشتر باز گذاشته شود.

پس از مرگ خمینی در سال ۱۳۶۸، مجلس خبرگان، علی خامنه‌ای را یک شیبه از آخوندی به منصب "آیت‌اللهی" رساند و او را جانشین خمینی معرفی کرد. این فرد که نه رساله‌ای نوشته بود و نه می‌توانست به اصطلاح معروف "مرجع تقلید" باشد، در سلسله مراتب جمهوری اسلامی "ولی فقیه" این نظام گردید. پس از گذشت بیست و هفت سال، خامنه‌ای هفتاد و هفت ساله، این قاتلی که دستش به خون هزاران دختر و پسر جوان آزادی‌خواه، زنان و مردان مبارز و کمونیست کشور مان‌آغشته است، خود در آستانه مرگ قرار گرفته است و نظام جمهوری اسلامی در نیاز به بزک کردن آخوند سفاک دیگری به سر می‌برد تا آن فرد را به عنوان جانشین خامنه‌ای به مسند "ولایت فقیه" برساند. برخی اتاق‌های فکر در آمریکا از آخوند ابراهیم رئیسی - یکی از اعضای سه نفره "هیئت مرگ" و مسئول قتل عام هزاران زندانیان سیاسی در دهه شصت، به عنوان "جانشین" احتمالی خامنه‌ای نام برده‌اند. این که چقدر امکان دارد که چنین پیش‌بینی‌هایی متحقق شوند را آینده‌نشان خواهد داد اما همین که رئیسی خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرده نشان می‌دهد که اتاق‌های فکر شیطان بزرگ تا چه حد در جریان آن چه که در درون دایره قدرت در جمهوری اسلامی می‌گذرد قرار داشته و دوستان ایرانی‌شان چگونه آن‌ها را در جریان حتی پیشنهادهایی که ممکن است هرگز عملی هم نشود، قرار می‌دهند.

آن چه در زیر می‌آید ترجمه مقاله‌ای به نام "رهبر ارشد احتمالی بعدی ایران، دوست غرب نیست" نوشته Ray Takeyh می‌باشد که در سپتامبر ۲۰۱۶ در روزنامه واشنگتن پست، به زبان انگلیسی چاپ شد. نویسنده این مقاله، یک ایرانی‌ای است که سابقاً به عنوان مشاور ارشد در دفتر ایران در وزارت امور خارجه آمریکا کار می‌کرده و حالا هم در اتاق فکری "شورای روابط خارجی - قسمت مطالعات خاورمیانه" برای دولت آمریکا قلم می‌زند. معمولاً منبع اصلی اطلاعاتی این گونه نوشته‌ها، یکی از هفده سازمان‌های مختلف جاسوسی و امنیتی در آمریکاست که اطلاعات جمع‌آوری شده را به یکی از اتاق‌های فکر عرضه کرده و مفاد آن اطلاعات برای استفاده کمیته‌های مختلف در کنگره و مقاصد آن‌ها تدوین و تنظیم می‌شوند. در بعضی از مواقع، بنا به استفاده استراتژیکی امپریالیست‌ها، خلاصه‌ای از این نوشته‌ها درج بیرونی هم پیدا می‌کنند. موضوع این مقاله، کم و بیش همزمان در گاردین، واشنگتن پست، نیویورک پست، العربیه و قنطره و... انتشار یافت. ترجمه نوشته بالا تنها با هدف افشاگری از - و شناسایی با - شخصیت خبیث "ابراهیم رئیسی" صورت گرفته است. ترجمه نوشته بالا با هدف آشنایی خوانندگان "پیام فدایی" با برخی نظرات مطرح شده در اتاق‌های فکر امپریالیست‌ها صورت گرفته و به معنای تایید مواضع نویسنده توسط مترجم نمی‌باشد.

عبارات داخل پرانتز، برای توضیح بیشتر از طرف مترجم به ترجمه اضافه شده‌اند.

### رهبر احتمالی بعدی ایران دوستدار غرب نیست

غالباً گفته می‌شود که مهمترین مانع "مصلحت‌گرایی" در ایران، رهبر والا مقام (یا به اصطلاح مقام ارشد رهبری)، آیت‌الله علی خامنه‌ای است. گفته می‌شود که وقتی خامنه‌ای مسن از صحنه خارج می‌شود، جانشینان او ضوابط مورد قبول بین‌المللی را با آغوش باز پذیرا خواهند شد.

افول محدودیت های توافق هسته ای ، جای نگرانی نخواهد داشت ، چرا که برای یک رژیم اسلامی نو شده ، پیوست و در هم آمیزی جهانی خیلی بیشتر از رد آن به خاطر سلاح های هسته ای ، وسوسه انگیز خواهد بود.

تنها مشکل این گونه انتظارات این است که نامزدی که خامنه ای و سپاه پاسداران ، برای ارتقاء وی به مقام رهبری در حال بزک کردن او هستند ، یکی از اعضای ارتجاعی ترین نخبگان حاکم در ایران است. ابراهیم رئیسی ، رهبر احتمالی بعدی ایران ، می تواند تنها کسی در جمهوری اسلامی باشد که قادر است باعث شود (به خاطر سفاکیت بی حد و حصر او) تا مردم دلشان هوای خامنه ای فقید را بکند.

رئیسی که پنجاه و شش سال عمر دارد مانند خامنه ای، در شهر مشهد متولد و بزرگ شده است. پس از گذراندن دوران طلبگی (در حوزه علمیه مشهد) ، ابراهیم رئیسی تمام زندگی حرفه ای خود را در بازوی اجرایی جمهوری اسلامی ، به عنوان دادستان کل کشور ، رئیس سازمان بازرسی کل کشور و دادستان دادگاه ویژه روحانیت که مسئولیت منضبط کردن ملامت های را به عهده دارد که از خط رسمی (دولتی) منحرف می شوند ، به سر برده است. (\* ) در تابستان سال ۱۹۸۸ (سال ۱۳۶۷) ، او به عنوان یکی از اعضای "کمسیون مرگ" در یکی از بدنام ترین اقداماتش در قتل عام هزاران زندانی سیاسی با اتهامات کاذب ، نظارت داشت.

زمانی تصور می شد که منصب مقام ارشد رهبری ، متعلق به یک روحانی محترم و معروف به داشتن دانش دینی باشد. اما ، اعتبار مذهبی کدر و نازل خامنه ای ، راه را برای یک فرد حتی کمتر معتبری مثل ابراهیم رئیسی که سراسر زندگی حرفه ای خود را در تاریخخانه های رژیم ، صرف توطئه سازی کرده ، هموار نموده است. سابقه (جنایتکارانه) رئیسی کاملا متناسب با ماموریت سپاه پاسداران در سرکوب مخالفان رژیم منطبق می باشد.

اخیرا در یک مصاحبه ، فرمانده سپاه پاسداران محمد جعفری اذعان کرد که از سال ۲۰۰۵ (سال ۱۳۸۳) تاکنون ، رژیم به این جمع بندی رسیده است که قیام داخلی برای موجودیت نظام ، حتی چالشی بزرگ تر از فشارهای خارجی است.

جانشین ایده ال برای خامنه ای ، نه تنها می بایستی با چشم انداز سپاه ، اشتراک نظر داشته باشد ، بلکه باید با نهادهای امنیتی و قوه قضائیه هم روابط نزدیکی داشته باشد. به نظر می رسد که سپاه پاسداران ، آدم خود را پیدا کرده است. رئیسی به طور فزاینده ای توسط آن ها به عنوان یک پیشتاز رژیم و مجری اراده آن ، تبلیغ می شود. خامنه ای حتی حامی مهم تری (برای او) هست.

رهبر ارشد ایران ، اخیرا رئیسی را به مدیریت یکی از بزرگترین بنیادهای خیریه ایران - آستان قدس رضوی ، منصوب کرد. بنیاد آستان قدس رضوی ، که حرم امام رضا در مشهد که هر ساله توسط میلیون ها زائر

بازدید می‌شود را مدیریت می‌کند و بسیاری از شرکت‌های دیگر را نیز راه‌اندازی کرده است ، دارای منابع زمینی و املاک گسترده‌ای می‌باشد. هر چند که مشکل است که ارزش دقیق بنیاد آستان قدس رضوی را برآورد کرد ، اما ارزش وقف به مبلغی بیش از ۱۵ میلیارد دلار گزارش داده شده است.

این انتصاب نه تنها باعث تقویت سابقه ملی رئیسی می‌شود ، بلکه منابع مالی عظیمی در اختیار او قرار می‌گیرند که او می‌تواند از آن‌ها برای پرورش شبکه‌ای از حامیان و طرفداران خود استفاده کند. خامنه‌ای در اصل ، دروازه‌های جهان مالی سیاه جمهوری اسلامی را به روی رئیسی باز کرده است.

برای خامنه‌ای و پاسداران وابسته به خودش ، مهم‌ترین مسئله فقط بقای رژیم نیست ، بلکه ارزش‌های انقلابی آن‌ها هم مطرح هست. آن‌ها بر این امر مصرند که ایران یک چین دیگر نخواهد شد ، جایی که به نظر آن‌ها ایدئولوژی به ارث رسیده ، به خاطر تجارت ، کنار گذاشته شده است.

قیام سال ۲۰۰۹ (سال ۱۳۸۸) ممکن است در واشنگتن به یک حافظه کم‌رنگی تبدیل شده باشد ، اما آن جنبش ، یک حادثه سهمگین برای نگهبانان حکومت روحانیون بود. تحت نظارت دقیق آیت‌الله خامنه‌ای ، ایران به یک حکومت پلیسی تبدیل شده است. برآیند منطقی از آن حوادث ، یک مقام ارشد رهبری است که از قلب ماشین سرکوب گرایانه ایران بیرون می‌آید.

طبق قوانین رسمی ایران ، رهبر بعدی در مجلس خُبرگان انتخاب می‌شود ، اما در واقعیت ، آن تصمیم در حال حاضر در پستوهای دولت در حال گرفته شدن هست. حسن روحانی ممکن است برای ایالات متحده (در سال ۲۰۱۶) به عنوان رئیس جمهور جذاب و امیدوار برای یک رژیم معتدل مطرح باشد ، اما او در این بازی مهم قدرت ، فقط یک ناظر است.

خامنه‌ای و سپاه پاسداران این را درک می‌کنند که رهبر بعدی ، قدرت را در یک زمان مخاطره‌آمیز در دست خواهد گرفت. این رهبر می‌بایستی میل شدیدی به تئوری‌های توطئه داشته باشد ، با غرب ستیزه‌جویی کند و به نمایندگی از طرف رژیم ، آماده به خونریزی باشد. مقام ارشد رهبری بعدی ، نه تنها باید به رسالت سرکوب حکومت دینی باور داشته باشد ، بلکه او خود بخش جدایی‌ناپذیر از ماشین رژیم می‌باشد. در جمهوری اسلامی هیچ‌کس بیشتر از ابراهیم رئیسی ، مظهر این صفات نیست. به نظر می‌رسد که او مرد مناسب برای زمان مناسب است.

فروردین ماه ۱۳۹۶

(\* ) زبرنویس از مترجم:

چنانچه از لیست مشاغل آخوند جنایتکار ابراهیم رئیسی ، از جمله عضویت در هیئت سه نفره مرگ در دهه شصت پیداست ، وی همواره در حبس ، شکنجه و اعدام ده‌ها هزار زندانی سیاسی شرکت داشته است:

دادستان همزمانی در کرج و همدان در سن بیست سالگی (۱۳۵۹)  
جانشین دادستان انقلاب تهران (۱۳۶۴)  
ماموریت با حکم ویژه از خمینی برای سرکوب آزادی خواهان در لرستان، کرمانشاه و سمنان (۱۳۶۷)  
دادستان تهران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۳)  
رئیس سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۷۳ - ۱۳۸۳)  
معاون اول قوه قضائیه (۱۳۸۳ - ۱۳۹۳)  
دادستان کل کشور (۱۳۹۳ - ۱۳۹۴)  
دادستان ویژه روحانیت (۱۳۹۱ - تا اکنون)  
تولیت آستان قدس رضوی (۱۳۹۴ - تا اکنون)